

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به
رهبری طبقه کارگر!

۱۹ بهمن

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۵۴ - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۶

اول ماه مه و چشم انداز مبارزات کارگری!

با فرا رسیدن اول ماه مه امسال، کارگران ایران مطابق روال سالهای اخیر کوشیدند تا ضمن بزرگداشت روز جهانی کارگر در اشکال و سطوح مختلف، بار دیگر توجه افکار عمومی را به وضعیت وخیم کار و معیشت خود جلب کرده و مطالبات حق طلبانه خود بر علیه کارفرمایان و سرمایه داران زالو صفت و حکومت مدافع آنان یعنی جمهوری اسلامی را در سطح وسیعتری در افکار عمومی طرح سازند. در مراسم امسال از یکسو شاهد بودیم که گردانندگان ضد کارگر رژیم در "خانه کارگر" کوشیدند تا با جمع کردن کارگران بجان آمده در زیر پرچم این نهاد سرکوب، بر خشم و نفرت کارگران لگام زده و از بروز حرکت و شعارهای مستقل و واقعی آنان جلوگیری کنند. از سوی دیگر در تهران و سنج، همین رژیم فریبکار و ضد کارگری جمهوری اسلامی، تجمعات و اعتراضات کارگری شکل گرفته در خارج از حیطه های تعیین شده توسط دستگاه سرکوب را با برخورد وحشیانه نیروهای دولتی مورد تعرض خود قرارداد و تعدادی از کارگران محرومی که گناهی جز طرح ابتدائی ترین حقوق صنفی خود را نداشتند مضر و دستگیر ساخت و تلاش کرد تا این اعتراضات را در هم بشکند.

وقایع اول ماه مه امسال و سرکوب مبارزات هزاران تن از کارگران بجان آمده توسط جمهوری اسلامی، نه تنها از عمق شرایط فاجعه بار زندگی طبقه کارگر تحت سیطره دیکتاتوری امپریالیستی حاکم خبر می دهد، بلکه واقعیت اجتناب ناپذیر تداوم و اوج یابی مقاومت و مبارزات حق طلبانه میلیونها تن از کارگران گرسنه و محروم در برابر استثمارگران حاکم - و از آن مهمتر چشم انداز این مبارزات را - در مقابل همگان قرار می دهد.

حقیقت این است که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به عنوان نماینده و چماق بورژوازی وابسته به امپریالیسم در ایران، برای حفظ منافع استثمارگران طبقه حاکم، تعرض وحشیانه ای را بر علیه میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان ایران سازمان داده است. در نتیجه این تعرض ضد خلقی در حالی که هر روز بیشتر بر ابعاد نجومی سودهای کسب شده توسط سرمایه داران و کارفرمایان استثمارگر در واحد های تولیدی دولتی و غیر دولتی افزوده می گردد، میلیونها تن از کارگران زحمتکش - که چرخ تولید را می چرخانند- به همراه خانواده های محرومشان هر روز بیشتر در گرداب فقر و گرسنگی و بی حقوقی غرق می شوند. تشدید استثمار و تحمیل شرایط وحشیانه تر به کارگران در محیط های کار، اخراج های پی در پی، تصویب دستمزدهای ناچیز و عدم پرداخت همان پول بخور و نمیر به کارگران، تحمیل قراردادهای موقت و در کنار اینها اعمال اختناق و سرکوب وحشیانه اعتراضات کارگری و گوشه ای از اوضاع شاق و طاقت فرسای زندگی کارگران تحت نظام استثمارگرانه حاکم را نشان می دهند.

بدون شک تحمیل چنین شرایط اسفبار و ظالمانه ای، بطور طبیعی، موجب برانگیخته شدن مقاومت و اعتراضات خودبخودی کارگران محروم و ستمدیده ای می گردد که منبعی جز فروش نیروی کار خود برای سیر کردن شکم خود و خانواده هایشان ندارند. به این ترتیب است که ما برغم تمامی سیاستهای سرکوبگرانه حکومت، شاهد فوران و جاری شدن جنبشهای خودبخودی کارگران برای بهبود شرایط ظالمانه فوق هستیم. این جنبشها خود را در اشکال

متفاوت و از جمله اعتصابات و اعتراضات، تجمع و تحصن، تلاش برای اقدامات چارچوب قوانین موجود، تلاش برای ایجاد تشکلهای صنفی و مبارزه متشکل و بالاخره در شرایط رسیدن جان کارگران به لبشان، حتی با مبادرت به اشکال قهر آمیز مبارزه... نشان می دهند. مبالغه نیست اگر ادعا شود که در طول ۲۸ سال حاکمیت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی طبقه کارگر ایران حتی یک روز نیز دست از مبارزه نکشیده و برغم یک توازن قوای بشدت نابرابر در اشکال و سطوح گوناگون همواره در مقابل سرمایه داران زالوصفت و حکومت تاین دندان مسلح حامی آنها قد علم کرده است. این واقعیت به نوبه خود نشان می دهد که طبقه کارگر ایران با توجه به شرایط عینی زیست و کار خود به لحاظ سطح آگاهی و آمادگی مبارزاتی، در دهه ها و حتی سالهای اخیر به رشد قابل ملاحظه ای دست یافته است؛ بطوری که ما در ایران برغم تمامی تلاشهای طبقه حاکم با یک طبقه کارگر خمود و "سربراه" و تسلیم شده به وضع موجود روبرو نیستیم. واقعیتی که صحت آن را قبل از هر چیز می توان در تعداد روزافزون حرکات اعتراضی و جنبشهای خودبخودی این طبقه در شرایط پلیسی تحمیل شده توسط جمهوری اسلامی دید. اما برغم این حقیقت چرا در شرایط کنونی، مبارزات جاری و دلاورانه کارگران در جامعه تحت سلطه ما قادر به پیشروی و تبدیل به یک جنبش سازمانیافته و قدرتمند نمی گردد و چرا طبقه کارگر ایران برغم تمامی تلاشهای مبارزاتی و خونهای ریخته شده در مبارزه برای تحقق مطالبات خویش هنوز هم از پراکندگی حاکم بر صفوفش در رنج است؟
در صفحه ۲

صحنه ای از تجمع کارگران در تهران



- ۲ * تظاهرات بر علیه ناتو در اسلو
- ۳ * حمله به تاسیسات نفتی چین...
- ۳ * فقر و سرکوب، ارمغان رژیم برای کارگران
- ۴ * اخراج کارگران افغان محکوم است!





کارگران در تهران با شعارهایی نظیر "مرگ بر حامی سرمایه دار" و "وزیر بی لیاقت استعفا استعفا" "حمایت از کارگر دروغ است دروغ است" روبرو می شویم.

شرایط کار و زیست کارگران ایران و تمامی تجارب مبارزاتی موجود نشان می دهد که همه جویبارهای مبارزات صنفی و سیاسی کارگران ایران باید در مسیری که به نابودی دیکتاتوری حاکم و تمامی ابزارهای اعمال این دیکتاتوری منجر می گردد کانالیزه شود.

پاسخ این امر را قبل از هر چیز باید در شرایط حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم دید، که رونمای آن را - برخلاف کشورهای سرمایه داری کلاسیک - یک دیکتاتوری مطلق العنان و شدیداً و وسیعاً قهر آمیز تشکیل می دهد. تحت سیطره چنین دیکتاتوری ای ست که طبقه حاکم یعنی بورژوازی وابسته، هر گونه مطالبات و مبارزات حق طلبانه کارگران - و سایر اقشار تحت ستم خلق - را بشدت سرکوب کرده و کوچکترین تلاش برای ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر را با حربه دیکتاتوری و خفقان و سرنیزه و زندان و شکنجه و اعدام در هم می شکند. کارگران را حتی بخاطر پیگیری مطالبات صنفی - و نه سیاسی - خود اخراج می کند، آنها را تهدید می کند، فعالین کارگری را تحت تعقیب و پیگرد قرار داده، می کوشد تا زبان آنها را ببرد و حتی ترورشان می کند و می کوشد چنان شرایطی را بوجود آورد که کارگران در هراس از دستگاه شکنجه و خفقان حاکم، حتی فکر مقاومت و مبارزه برای تحقق خواستههای عادلانه و طبیعی خویش را از سر بیرون کنند. این حقیقتی ست که در روند مبارزه روزمره بر علیه سرمایه داران به کارگران ثابت شده و آنها در شرایط استبداد حاکم بطور غریزی در می یابند که در جریان هر گونه مبارزه و اعتراض برای کسب مطالبات صنفی هر گاه که این مبارزه جدی شود، کارگران بطور ناگزیر خود را با دولت و ارگانهای سرکوب آن روبرو می بینند که مدافع منافع سرمایه داران وابسته هستند و به همین دلیل است که ما در حرکت اول ماه مه

تظاهرات بر علیه کنفرانس سران ناتو در اسلو

علیرغم همه ترندهائی که پلیس ضد مردمی نروژ برای جلوگیری از تظاهرات ضد امپریالیستی بر علیه کنفرانس سران کشورهای ناتو بکار برده بود، بیش از ۱۰۰۰ نفر با شعارهای "نروژ باید از ناتو بیرون بیاید" و "ناتو از دنیا باید محو شود"، "دست ناتو از افغانستان کوتاه!" کشتار مردم تاکی! و شعارهای دیگر به تظاهرات خشمگینانه ای بر علیه سران ناتو دست زدند.

از هفته های پیش دولت نروژ با همکاری پلیس این کشور نهایت تلاش خود را برای تدارکات امنیتی لازم به منظور برگزاری کنفرانس سران کشورهای ناتو انجام می داد. از روز دو شنبه هتل پلازا واقع در مرکز شهر اسلو در اختیار پلیس امنیتی قرار

گرفت. از روز سه شنبه شب تمامی خیابانهایی که به این هتل وصل یا ختم میشد با نرده های آهنین مسدود شد؛ در هر چند قدم ماموران مسلح پلیس حضور داشتند. روز پنجشنبه تمامی ترافیک شهر اسلو از حالت طبیعی در آمده بود و آشوبی در این شهر میمان ن نواز ناتو مشاهده می شد. پلیس ضد مردمی دولت نروژ برای حفظ امنیت کنفرانس ناتو در اسلو ۴۲ میلیون کرون هزینه کرده بود.

تا یک روز قبل از برگزاری کنفرانس پلیس اسلوادعا میکرد که با همکاری دیگر نیروهای خود از تمامی شهرهای نروژ و با محاصره منطقه وسیعی از محل کنفرانس و شهرداری اسلو که ضیافت شام در آن برگزار میشود هیچ مشکلی با مخالفین و تظاهرکنندگان نخواهد داشت. اما زهی خیال باطل! مخالفین ناتو و توده های مخالف جنگهای امپریالیستی در روز موعود گرد آمدند تا برغم تمامی "آمادگی های" قبلی پلیس، ابعاد خشم و قدرت خود را نشان ادمکشان و سران سرمایه های

امپریالیستی بدهند.

بیش از ۱۰۰۰ نفر در تظاهرات ضد امپریالیستی شرکت کرده و با شعارهای "نروژ باید از ناتو بیرون بیاید" و "ناتو از دنیا باید محو شود"، "دست ناتو از افغانستان کوتاه!" کشتار مردم تاکی! و ... تنفر خود را از سیاست های اتخاذ شده توسط سران ناتو نشان دادند.

این تظاهرات توسط ارگان "خواهان صلح" سازمان یافته و ظاهراً پلیس به آن مجوز داده بود. اما در محلی که خود پلیس مشخص کرده بود و در زمان مشخص و محدود. تظاهرکنندگان که متشکل از گروهی از جریانات چپ رادیکال و گروه بلیتز و ... بودند از قبل برای هرچه رادیکال کردن تظاهرات علیه سران و وزرای کشورهای سرمایه، حرکت خود را برنامه ریزی کرده بودند و به این ترتیب برغم تمامی مساعی پلیس، آنها صدای اعتراض و خشم خود را به سران ناتو رساندند.



حمله به تاسیسات نفتی چین در اتیوپی

در حمله گروهی از افراد مسلح وابسته به "جبهه آزادیبخش ملی اوگادن" در شرق اتیوپی به یکی از تاسیسات نفتی این کشور که توسط مستشاران چینی اداره می شود، حداقل ۷۴ کارگر نفت کشته و ۷ کارمند چینی نیز ربوده شدند. این حادثه در تاریخ ۳ می اتفاق افتاد و مقامات اتیوپی از آن بعنوان یک "حمله سازمان یافته" و "خونین" نام بردند. نیروی مزبور که ظاهراً یک نیروی مسلح سومالیایی ست در اطلاعیه خود اعلام کرده که هدف عملیات مسلحانه اش "واحد های ارتش اتیوپی" بوده اند که از تاسیسات مزبور حفاظت می کنند. در این اطلاعیه همچنین به "کمپانی های نفتی بین المللی" فعال در منطقه اخطار داده شده که عملیات خود را "قطع" کنند.

عملیات بر علیه تاسیسات نفتی فوق و ربودن مستشاران چینی در شرایطی اتفاق می افتد که دولت چین در پی رشد روزافزون نیازهای خود به منابع انرژی در سالهای اخیر بشدت در تلاش است تا حوزه نفوذ و بازارهای خود در کشورهای آفریقایی را گسترش بخشد. به شکلی که طبق آمار منتشره، مراودات اقتصادی چین با کشورهای آفریقایی و بویژه کشورهایی که صاحب منابع انرژی هستند در سالهای اخیر از رشد تصاعدی برخوردار بوده است. امری که با مخالفت و نارضایتی های شدید سایر قدرتهای امپریالیستی در آفریقا روبرو شده است.

فقر و سرکوب. ارمغان جمهوری اسلامی برای کارگران

تحت حاکمیت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، وضعیت کار و معاش میلیونها تن از کارگران ایران و خانواده هایشان هر روز بیشتر سقوط کرده و عدم پرداخت حقوق بخور و نمیر کارگران تا ماه ها و اخراجهای فله ای کارگران توسط کارفرمایان و دولت حامی آنان تعداد هر چه بیشتری از خانواده های کارگری را به سوی ورشکستگی و نابودی سوق داده است.

در حالیکه وزارت کار و امور اجتماعی اخیراً اعلام کرد که خانواده هایی با درآمد زیر ۴۰۰ هزار تومان در زیر خط فقر زندگی می کنند، مقامات رژیم جمهوری اسلامی حداقل دستمزد کارگران را مبلغ ناچیز ۱۸۳ هزار تومان تعیین کرده اند. امری که معنای آن غرق شدن هر چه بیشتر میلیونها تن از کارگران و خانواده هایشان در گرداب فقر و گرسنگی در سال جاری خواهد بود. برغم این واقعیت که حداقل دستمزد اعلام شده برای کارگران کفاف زندگی در زیر خط فقر را هم برای آنان ناممکن ساخته اما سرمایه داران زالوصفت و کارفرمایان دولتی حتی از پرداخت همین حقوق بخور و نمیر کارگران به آنها خودداری می کنند. در همین رابطه مطابق گزارشات منتشر شده، کارگران ناز نخ اصفهان، ۲۹ ماه، کارگران حریر قائم شهر ۲۸ ماه، و کارگران فیلترسازی قزوین ۴۸ ماه و... حقوق خود را دریافت نکرده اند. (نشریه "راه آینده" شماره ۵) و تنها در ۱۱۴ کارگاه و واحد تولیدی و خدماتی، تعداد ۳۹۴۲۴ کارگر به طور متوسط حقوقهای ۷/۷ ماه خود را دریافت نکرده اند. (خبرگزاری حکومتی ایلنا)

همچنین تنها در ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۵ بدلیل سیاستهای ضد کارگری دولت، حداقل ۶۰۰۰۰ نفر اخراج و یا بیکار شده اند. (خبرگزاری کمیسیون برنامه و بودجه مجلس) نکته برجسته در این اخراجها عبارت از آن است که در بسیاری از این اخراجهای ظالمانه، روحیه مبارزاتی کارگران به پا خاسته برای کسب مطالبات صنفی و سیاسی خویش در برخورد ارگانهای حکومتی نسبت به سرنوشت آنها نقش ایفا کرده است. بطوری که مثلاً در شرکت "مازیر ایران" ۵۰ کارگر - و حتی ۳ عضو "شوراهای اسلامی" ساخته شده از طرف خود حکومت - بدلیل مقاومت در برابر "الزام به تنظیم قراردادهای موقت" اخراج شدند. به همین ترتیب تنها در ۶ ماهه دوم سال ۸۵ ده ها تن از کارگران مبارز و فعالین کارگری به دلیل "پیگیری مطالبات صنفی" از کار اخراج شده اند.

تظاهرات بر علیه کنفرانس ناتو از صفحه ۲

از ساعت ۸ شب که وقت ضیافت شام نمایندگان سرمایه بود ؛ گروه بلیتز در تلاش برای کنار زدن میله های آهنین و نزدیک شدن به ساختمان شهرداری که محل ضیافت شام و میهمانی بود با پلیس درگیر شدند. پلیس ضد مردمی با استفاده از گاز اشک اور و باتوم به زد و خورد با تظاهرکنندگان پرداخت و سعی در دور کردن آنها داشت. تظاهرکنندگان با انداختن سنگ و سعی در آتش زدن

خودروهای پلیس اعتراض خود را هم علیه پلیس هم علیه کنفرانس وزرای کشورهای ناتو نشان دادند.

این تظاهرات و درگیری با پلیس بیش از یک ساعت طول کشید. در این درگیری ۲۵۰ نفر که بیشتر آنها از گروه بلیتز بودند دستگیر شدند. تظاهرات اسلو بار دیگر نشان داد که توده های آگاه و مبارز هیچگاه و تحت هیچ شرایطی نمایندگان امپریالیسم را در پیشبرد مقاصد و نقشه های ضد خلقی خود راحت نخواهند گذارد.

زنده باد کمونیسم!

پیروز باد انقلاب!



اخراج کارگران زحمتکش افغان از ایران محکوم است!

یک میلیون پناهجوی افغانی از ایران اخراج شوند و این درشرایطی است که پناهجویان افغانی بدلیل شرایط جنگی حاکم بر کشور شان مجبور به خروج از افغانستان شده اند و مجبور کردن آنها به بازگشت به افغانستان معنایی جز به خطر انداختن امنیت زندگی آنها و همچنین محکوم شدن به زندگی در شرایط در بدری و نا امنی را نداشته و حیات آنها را با تهدید جدی مواجه می سازد.

جمهوری اسلامی فریبکارانه می کوشد چنین جلوه دهد که با اخراج کارگران افغانی برای کارگران ایرانی کار ایجاد می شود اما این دروغی بیش نیست. علت گسترش بیکاری در صفوف طبقه کارگر ایران سود پرستی کارفرمایان و دولت حامی آنان است. همان هایی که برای سود جویی بیشتر، عملاً سخت ترین کارها را با نازلترین مزد به کارگران زحمتکش افغانی محول می کنند. برخورد جنایتکارانه جمهوری اسلامی با زحمتکشان افغانی محکوم است و تمامی انسانهای آزادیخواه باید ضمن محکوم کردن طرح اخراج افغانهای مقیم ایران بر حق انکار ناپذیر آنها در سازمان دادن زندگی خود در ایران تاکید کنند.

دستگیر و از ساختمانی که کار می کرده به پائین پرتاب شده و پس از مجروح شدن از ایران اخراج شده است، جریان دستگیری خود را به خبرنگار بی بی سی در افغانستان چنین توضیح داده است: "ما در ایران کار می کردیم. یک روز ساعت هفت صبح ماموران پلیس وارد محل کار ما شدند و از ما خواستند سریع حرکت کنیم و با آنها برویم تا ما را به افغانستان رد مرز کنند. ما شروع به التماس کردیم و از آنها خواستیم تا به ما مهلت بدهند که حقوق خود را از صاحبکار بگیریم، اما هنوز حرف مان تمام نشده بود که توسط آنان به زور از ساختمان به پایین انداخته شدیم و وقتی به هوش آمدیم خود را در

مدتی ست که رژیم جمهوری اسلامی تحت عنوان طرح اخراج مهاجرین "عیر مجاز" یورش گسترده ای را به پناهجویان افغانی مقیم ایران سازمان داده است. در این چارچوب نیروهای انتظامی این رژیم جنایتکار با حمله به مراکز کار و زیست پناهجویان افغانی آنها را بدون رعایت بدیهی ترین حقوق انسانی شان دستگیر و دسته دسته به مرز دو کشور گسیل می دارند تا ترتیب اخراج آنها از کشور داده شود. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در پیشبرد نقشه ضد خلقی خود بر علیه افغانها، از هیچ جنایتی فروگذاری نکرده است. برای روشن تر شدن ابعاد فاجعه اخراج افغانها توسط حکومت باید به اعمال جنایتکارانه مامورین رژیم



شفاخانه (بیمارستان) هرات یافتیم". این اقدام وحشیانه متأسفانه باعث مرگ یکی از کارگران اخراجی شد. کارگر ستمدیده مزبور چند روز بعد از اخراج، در بیمارستان شهر هرات جان باخت و این در شرایطی است که وزیر کشور جنایتکار رژیم ادعا می کند که مامورین انتظامی "به شکلی مناسب برخورد می کنند" در حالی که معنای برخورد "مناسب" را مرگ این کارگر ستمدیده به روشنی در مقابل دید همگان قرار می دهد.

بر اساس گزارش خبرگزاریهای دولتی در چند روز اول این یورش غیر انسانی حداقل ۵۰ هزار پناهجوی افغان دستگیر و اخراج شده اند و این در شرایطی است که از میان صد ها هزار افغانی مقیم ایران که به سخت ترین کارها با نازل ترین دستمزدها مشغولند تنها حدود ۶ هزار نفر اجازه کار داشته و تعداد معدودی نیز از روادید و برگه اقامت قانونی برخوردارند. واقعیتی که به روشنی گوشه ای از شرایط وخیم کار و زندگی افغانهای رنجدیده در ایران را نشان می دهد.

مقامات دولت ایران با وقاحت تمام اعلام می کنند که قرار است در چارچوب این طرح ضد انسانی حداقل

در جدا کردن وحشیانه کودکان بسیاری از خانواده ها و از پدر و یا مادرشان اشاره نمود که در آنها مادر و یا پدر تابعیت افغانی داشته و در مقابل چشمان گریان خانواده، با بیرحمی تمام توسط مزدوران رژیم بزور از همسر و فرزندان خویش جدا و به افغانستان فرستاده شده اند. جنایاتی که یاد آور وحشی گریهای مزدوران حکومت فاشیستی آلمان در جریان جنگ دوم جهانی می باشد. یورش سبوعانه اخیر به افغانهای مقیم ایران، ماهیت ضد خلقی حکومت جمهوری اسلامی و سیاستهای پناهنده ستیزانه این رژیم را هر چه بیشتر به معرض نمایش گذارده است.

به گزارش افغانی هائی که در جریان یورش اخیر رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و مجبور به ترک ایران شده اند. نیرو های انتظامی جمهوری اسلامی جهت دستگیری و اخراج پناهجویان زحمتکش افغانی از اعمال هیچ توهین و تحقیر و یا ضرب و شتمی در حق آنان نیز خود داری نکردند، در جریان این تعرض، تاکنون یک کارگر افغانی نیز به دلیل ضربات پلیس جان باخته است. یکی از کارگرانی که در روز های اخیر با زور

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051

London

WC1N 3XX

England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 – 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

